

# چگونه تکمیل شخصیت

## دُرُودِ کُودُک

تابه امروز از واژه شخصیت تعاریف کوناکونی از دیدگاههای مختلف بعمل آمده و بقول مولانا " هرکسی از ظن خودش یارمن ". تمام این تعاریف هرکدام درجدهی و از دیدی کامل و از دیدی دیگر و بر اساس نظریه‌های متفاوت ناکافی و نامفهوم خواهد بود. یکی از تعاریف شخصیت این است :

" شخصیت مجموعه‌ای از حسیه‌های بدنی " عادات و تمایلات "حالات" افکار "نظریات" استعدادها و رفتارهایی است که در فرد بصورت خصوصیات و صفاتی نسبتاً پایدار در آمده و بصورت یک کل و واحد عمل می‌کند. " می‌خواهیم در اینجا بررسی کنیم و دریابیم که‌ایسن شخصیت چگونه شکل می‌گیرد؟ و از چه مراحل گذر می‌کند؟ و در ضمن این بررسی روشن سازیم که چه کمکی می‌توانیم در این راه برای اطرافیان انجام دهیم .

مراحل تکمیل شخصیت :

کیفیت تشکیل شخصیت در چهار مرحله قابل بررسی است .

الف - مرحله تقلید ب -  
مرحله تلقین پذیری ج - مرحله  
همانندی د - تشکیل خود

الف - مرحله تقلید : تقلید یکی از غرایز بنری است که کودک را در سازگاری با زندگی بسازی





می دهد. کودک چند هفته بعد از تولد شروع به تقلید می کند. ولی بطور جدی حسن تقلید بین سالیهای اول تا دوم زندگی کودک خود را نشان می دهد. کودک از ران تقلید کارهای بیشماری را می آموزد و در سایه همین آموزشها خود را با موقعیتهای گوناگون زندگی سازگار می کند. یکی از برارزترین و بارزترین یادگیریهای کودک در همین مرحله از زندگی که بر اثر تقلید حاصل می شود آموختن زبان است.

نیاز به استقلال یکی از نیازهای اساسی کودک است که از راه کمک گیری از حسن تقلید، او می تواند به این نیاز خود جامد عمل پیوشاند. در این سالیها بیشتر یادگیری کودکان از راه تقلید صورت می گیرد تا تعلیم، و این مسئله هشدار است برای پدران و مادران، آنان می توانند برای کودکان خود الگوی خواستهائی باشند که برای او آرزو دارند تا کودک از راه تقلید بتواند با آن خواستهها برسد.

تقلید چون یکی از غرایز است پس نیروئی است ناآگاه و در تمامی عمر نیز با انسان باقی خواهد ماند. سرمشق با مظلوب بودن برای کودک خود سبب کردن آینده او است.

ب - مرحله تلقین پذیری: در

این مرحله کودک بد تنها اعمال و حرکات دیگران را بر اساس تقلید سرمشق قرار می دهد بلکه می - کوشد تا از خوی و احساسات و افکار اطرافیان بهره های لازم را ببرد. این مرحله غالباً بین سنین ۲/۵ تا بد سالگی ظاهر می شود و اثرات خود را نشان می دهد. مرحله تلقین پذیری را هر پدر و مادر و با آموزگاری می تواند تسهولت شخصی دهد. میزان تلقین پذیری در کسب افراد یکسان نیست. میزان اثر پذیری بستگی به عوامل متعدد خارجی دارد. تلقین پذیری هم کیفیتی ناخود آگاه است و می تواند هم سازنده شخصیت آینده کودک باشد و هم مخرب و ویرانگر. تلقین پذیری را در حقیقت نوعی وابستگی روانی دانستند اندباکسی که با ما و در کنار ما زندگی می کند. بد کمک تلقین پذیری

همانندی به دو صورت شکل می‌گیرد:

۱- کسب کردن شخصیت دیگران همانکد کفشد شد.

۲- بخشیدن خصوصیات اخلاقی خود به دیگران.

علل و انگیزه های همانندی چیست؟ کودک معمولا خود را

کودک در شخصیت دیگران سرود می‌رود کدیابد کفدت شخصیت او در شخصیت آنان مسپه‌لک شده است. اس همانندی های اولسد آنچنان در دهن کودک نقش می‌بندد که حتی در دوران بلوغ نیز ندوم پیدا می‌کند. — راتر همانندی غالب اوقات خصائصی



دودسته از اشخاص همانندی می‌سارد.

۱ - کسانیکه آنها را دوست دارد.

۲ - باآنانی که مورد سانسیر او هستند.

س می توان انکردهای همانندی

اخلاقی اطرافیان به کودک سرایت می‌کند. او به سبب خصائص سوسق های خود را انناس می‌کند بلکه حتی می‌تواند محمودع شخصیت آنان را همراه با کلیه خصائص اکسانی از آن خودکند.



می‌توان روش‌های ذهنی و اخلاقی را اصلاح کرد. تلقین پذیری استعدادی فطری است که اجازه می‌دهد تا تحریبات اکسانی دیگران را به آسانی بدست‌آوریم و این امتیاز بزرگی است در راه مبارزه با مشکلات زندگی. تلقین پذیری کمک به امنیت انسان است.

تلقین پذیری همانگونه که دارای محسنی است معافی نیز به‌همراه دارد که نباید از آن غافل شد:

۱ . باید آگاه بود که عقده‌های سرکوفند و واخوردده خود را به دیگران تلقین نکنیم.

۲ . اطراط در تلقین پذیری یکی از معایب و مشکلاتی است که باید به آن توجه کامل داشت. شخصی که بیش از حد تلقین‌پذیر است هیچگونه استقلال رأیی از خود نخواهد داشت. او آدمی است که غالباً به سازدیگسران خواهد رقصد و طبعاً ضعیف و بی‌اراده است. باید در این مرحله نهایت استفاده را برای راهنمایی رضار و کردار کودک به سوی هدیه‌های مطلوب برد.

ج - مرحله همانندی: بعد از تلقین پذیری مرحله همانندی سرمی رسد. در این مرحله چنان



انجام آن هشتم معلوم می‌سازد. د - مرحله تشکیل خود: این مرحله پنجمه سه مرحله ما شکل خود است. در این مرحله کودک شخصیت اکسائی (من) خود را می‌سازد. کودک در این مرحله شخصی را که ناوی همانند شده دیگر از نظر دور می‌کند و تنها خصائص اخلاقی او را به شخصیت خود می‌بخشد. کودک با قبل از این مرحله برای خود مانی خاصی برگزیده بود که حالا می‌تواند سراساس آن آرمانها، تمامی خواستها و تمایلات و قوای خود را نادر برتری کند.

تلاش حسن ریاحی

را محبت و قدرت دانست. کودک برای آن خود را همانند افراد مورد علاقه می‌سازد کدنه‌هاز او به حمایت و امنیت سرآورده شود. او مجبور است تماس خود را با کسانی که این محبت حمایت کننده را به او ارزانی می‌دارند حفظ کند، بنابراین کودک سعی می‌کند خود را با توقعات و خواست های آنان سازگار کند و خود را شبیه آنان سازد. در مورد قدرت نیز همانندی کودک را در پرورش شخصیت و تطبیق با زندگی کمک می‌کند. باید دانست که میل به همانندی در تمام مدت زندگی انسان ادامه خواهد داشت. در زندگی افراد بزرگسال همانندی گاهی بطور ناخود آگاه نقش خود را ایفا می‌کند. همانندی نیز برای خود بعضی از اوقات عوارض نامطلوبی به همراه خواهد داشت. انتخاب سرمسکلهای ناسایسته و فریفته‌آنان شدن یکی از عوارض سوء مسئله همانندی است. قبول همانندی بایک انسان ارزشمند که در حد توان پذیرائی شخص نیاید خود یکی از مشکلات است. گاهی از اوقات همانندی انسان را به دنیای بصورت و تخیلات دور و دراز خواهد کشاند که باید از این مشکل نیز غافل نماید. وجود انگیزه های دیگری غیر از عشق و قدرت بسسرای

همانندی مسکلهایی بسس خواهند آورد. همانندی مضاعف (تعدد رفتی در چند شخصیت دو فرد مضاد) نیز از گرفتاریهای ناشی از مسئله همانندی است. با وجود معایبی که در مورد همانندی بیان شد - همانندی دارای ارزشهای فراوانی است و در استحکام بخشیدن پایه های شخصیتی نقش مهمی را بازی می‌کند. افرادی که با تعداد بیستری از مردم در تماس هستند بهتر می‌توانند شخصیت خود را با همانندی های گوناگون غنی سازند. همانندی در ایجاد ذوق در افراد نفس نازری دارد در ضمن همانندی آگاهی ما را در مورد کارهایی که قدرت انجام آنها را داریم و با بالعکس عاجز از